

لینک های مفید



عضویت
در خبرنامه



کارگاه های
آموزشی



سرویس
ترجمه تخصصی
STRS



فیلم های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سرویس های
ویژه

چیستی و چرایی عده در اسلام

رقیه یوسفی^۱

مقدمه

خداوند وجودی بی‌نهایت در علم و قدرت و بی‌نیاز از همه چیز و همه کس است و همه کارهای او از حکمت مطلق او سرچشمه می‌گیرد و به همین دلیل، عبث و لغو در کار او راه ندارد و پیامبران را برای تعلیم و تربیت و دعوت به سوی حق و عدالت فرستاده است. از سویی معرفی این چنین از خداوند و از سوی دیگر، محدودیت دانش بشر، او را به پرسش از فلسفه و اسرار احکامی سوق می‌دهد که در زندگی و سعادت و شقاوت او نقش دارد.

حکمت بعضی از دستورات مانند زشتی دروغ، خیانت، تهمت و...، پیش از بیان اسلام نیز برای مردم روشن بوده است. فلسفه پاره‌ای از احکام نیز در قرآن کریم آمده است. مانند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ. (بقره: ۱۸۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود. باشد که برهیزگاری کنید.

در روایات پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) نیز فلسفه بعضی از احکام بیان شده است. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «پرداخت زکات رشد اقتصادی ایجاد می‌کند» (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴).

بحث از عده در کتب فقهی مانند جواهر الکلام محمدحسن نجفی، المقنعه شیخ مفید و... آمده است. برخی کتاب‌های تفسیری مانند تبیان شیخ طوسی، مجمع البیان طبرسی و المیزان علامه طباطبایی نیز بدان پرداخته‌اند. در میان کتب حدیثی نیز منابعی چون وسائل الشیعه حر عاملی، کافی کلینی و تهذیب الاحکام شیخ طوسی موضوع عده را بررسی نموده‌اند. این موضوع در آثار حقوقی نیز بحث شده است. آثاری چون حقوق مدنی سیدحسن امامی، بررسی فقهی حقوق خانواده اثر مصطفی محقق میرداماد، حقوق زن در اسلام و اروپا از حسن صدر و...

همچنین مقاله‌ای در این موضوع از محمد مؤمن در مجله «فقه اهل البیت» منتشر شده که به بررسی آیات و روایات عده و بررسی دیدگاه فقها در این مورد پرداخته است. در این نوشتار با توجه به لزوم روشن‌گری در موضوع عده و به ویژه فلسفه آن، به کاوش در این مورد پرداخته شده است.

مفهوم‌شناسی عده

عِدَّة: (به کسر اول) به معنای شیء معدود است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ؛ هر که از شما مریض باشد، برای اوست معدودی از روزهای دیگر» (بقره: ۱۸۴).

^۱. کارشناس ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، عضو گروه علوم قرآن و حدیث مؤسسه آموزش عالی بنت‌الهدی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۲۰

گاهی به معنی عدد است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا؛ در حقیقت، شماره ماه‌ها نزد خدا (در کتاب علم خدا)، دوازده ماه است» (توبه: ۳۶).

در اصطلاح فقهی، «عده» عبارت است از مدت معینی که در آن مدت، زن باید از ازدواج خودداری کند. (قرشی، ۱۳۷۱، ۲۹۹/۴) شهید ثانی می‌فرماید:

إنَّها شرعاً إسم لمدة معدودة تتربص فيها المرأة لمعرفة براءة زوجها او للتعبّد او للتفجّع علي الزوج، شرّعت صيانة للأنسب و تحصيناً لها عن الاختلاط. (مکی العاملي، ۱۴۱۰ هـ، ق، ۶، ۵۷)

عده از دیدگاه شرعی، زمان معینی است که در آن زمان زن باید به جهت اطمینان از برائت رحم از حمل یا به سبب مرگ شوهر صبر نماید. عده به منظور صیانت نسب‌ها و جلوگیری از آمیخته شدن آنها با یکدیگر تشریع شده است.

در ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی در تعریف عده آمده است: «عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن، زنی که عقد نکاح او منحل شده است، نمی‌تواند شوهر دیگری اختیار کند». (امامی، ۱۳۶۸)

اقسام عده

با توجه به آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) و بر اساس گونه‌های پیوند و گسست در ازدواج، می‌توان اقسامی را برای عده برشمرد که هریک از آنان نیز دارای گونه‌های متفاوتی است.

۱. عده طلاق

طلاق یکی از اسباب انحلال نکاح دایم است و به دو قسم تقسیم می‌شود؛ طلاق بائن و طلاق رجعی. طلاق بائن آن است که شوهر، پس از آن حق رجوع به زن را ندارد؛ چه عده داشته باشد و چه نداشته باشد که خود، به شش گروه تقسیم می‌شود: طلاق قبل از دخول، طلاق دختر صغیره، طلاق یائسه، طلاق خلع و مبارات با رجوع نکردن زوجه در آنچه آن را بذل کرده؛ و گرنه برای مرد رجوع می‌باشد و طلاق سوم. (موسوی خمینی، بی‌تا، ۵۹۱/۳)

طلاق رجعی نیز عبارت است از برگرداندن زن مطلقه در زمان عده به ازدواج سابق. (موسوی خمینی، بی‌تا، ۶۱۹/۳)

با توجه به گونه‌های طلاق، عده طلاق زنان به شرح ذیل می‌باشد:

الف. عده طلاق زنان غیر باردار

شارع مقدس، ملاک تعیین زمان عده را در زنان مطلقه، عادت ماهانه قرار داده و می‌فرماید: «و المطلقات یتربصن بأنفسهنّ ثلاثة قروء... و زنان طلاق داده شده باید مدت سه پاکی انتظار کشند» (بقره: ۲۲۸). کلمه «تربص» به معنای انتظار کشیدن و نگهداشتن خویشتن است (طریحی، ۱۳۷۵، ۱۷۱/۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ، ق، ۳۳۸). کلمه «قراء» نیز در لغت به وقت اشاره دارد. از این‌رو، وقت طهر یا حیض را «قراء» گویند. لفظ «قراء» در لغت از الفاظ مشترک است که دارای دو معنای متضاد پاکی و ناپاکی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ، ق، ۶۶۸).

در میان مفسران؛ طبری (طبری، ۱۴۱۲.ق، ۲/۲۶۴) و سیوطی (سیوطی، ۱۴۰۴.ق، ۱/۲۷۴) قرء را به معنای حیض، طبری (طبری، ۱۳۷۲، ۵۷۳/۲) آن را به معنای طهر و علامه طباطبائی (طباطبائی ۱۴۱۷.ق، ۲/۲۳۰) و مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۵۴/۲) به معنای حیض و پاکی بین دو حیض گرفته‌اند.

از برخی روایات (عروسی حویزی، ۱۴۱۵.ق، ۱/۲۲۰) و بسیاری از کتب لغت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲.ق، ۶۶۷) نیز استفاده می‌شود که قرء به معنی جمع است و چون در حالت پاکی زن، خون عادت در وجود او جمع می‌شود، این واژه به پاکی اطلاق شده است. به هر حال در روایات متعددی، تصریح شده که منظور از «ثلاثة قروء» که حد عده است، سه مرتبه پاک شدن زن از خون حیض است. مشهور فقهای امامیه نیز معتقدند مقصود از «قرء» در آیه فوق، طهر است و زنان باید پس از طلاق، سه دوره پاکی را برای عده صبر نمایند. (نجفی، ۱۳۸۱.م، ۲۱۹/۳۲) دلیل آن نیز برخی از روایات معتبر است. امام باقر علیه السلام فرمود: «قال: المطلقه اذا رأت الدم من الحيضة الثالثة فقد بانت منه» (کلینی، ۱۴۱۳.ق، ۸۷/۶).

البته مدت سه طهر، عده زنان مطلقه‌ای است که دارای عادت ماهانه منظم‌اند، ولی عده زنان مطلقه‌ای که به دلایلی چون بیماری، شیردادن، اقتضای سن و...، عادت ماهانه نمی‌شوند، سه ماه است. این زنان در فقه «ذوات الشهور» و در فارسی «ماه‌داران» نامیده می‌شوند. در قرآن کریم آمده:

و اللّٰثي يَسْنَمَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مَنَسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللّٰثي لَمْ يَحْضُنَّ... (طلاق: ۴)

و از زنان شما که از خون [ماهانه] نومیدند، اگر شک دارید [که خون می‌بینند یا نه] عده آنان سه ماه است و [دخترانی] که هنوز ندیده‌اند [نیز عده‌شان سه ماه است]...

جمله «واللّٰثي لَمْ يَحْضُنَّ» عطف بر جمله «واللّٰثي يَسْنَمَنَ مِنَ الْمَحِيضِ» می‌باشد؛ یعنی زنانی که در سن حیض دیدن‌اند، ولی حیض نمی‌بینند که عده طلاق آنها نیز سه ماه است. (طوسی، بی‌تا، ۳۴/۱۰)

ب. عده طلاق زنان باردار

عده زنان باردار تا هنگام وضع حمل است؛ هرچند زمان کوتاهی پس از طلاق، وضع حمل نمایند؛ خواه طفل به صورت کامل و طبیعی متولد شود یا به صورت ناقص سقط گردد. از این رو، عده زنان باردار بر حسب مورد، متفاوت می‌باشد؛ زیرا ممکن است این مدت بسیار اندک (یک روز یا چند لحظه) یا بسیار طولانی (نه ماه) باشد. در قرآن کریم آمده: «وَأُولَاتِ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ»؛ عده زنان باردار تا زمانی است که وضع حمل نمایند (طلاق: ۴). همچنین امام باقر علیه السلام می‌فرماید: إذا طَلَّقَتِ الْمَرْأَةُ وَهِيَ حَامِلٌ فَأَجَلُهَا أَنْ تَضَعَ حَمْلَهَا وَإِنْ وَضَعَتْ مِنْ سَاعَتِهَا. (حر عاملی، ۱۴۰۹.ق، ۲۲/۱۹۵)

هنگامی که زنی طلاق گرفت؛ درحالی که حامله بود، عده‌اش تا وضع حمل است؛ هرچند بلافاصله بعد از طلاق وضع حمل نماید.

۲. عده نکاح موقت

ازدواج موقت (متعّه) بدون نیاز به طلاق و فقط با تمام شدن مدت یا بذل (بخشیدن) مدت آن از طرف زوج، پایان می‌یابد. در انحلال نکاح موقت نیز همانند نکاح دائم، در صورتی که زن صغیره یا یائسه باشد، عده بر وی واجب نیست و در این موارد، زن بلافاصله پس از انحلال نکاح موقت می‌تواند شوهر نماید، ولی زن بالغ غیر یائسه که با وی آمیزش شده

باشد، پس از انحلال نکاح موقت باید عده نگاه دارد. این عده «عده جدایی» (فراق) نامیده می‌شود. مدت عده چنین زنانی به اعتبار وضعیت آنان از نظر حمل (بارداری) و عدم آن بر دو قسم است:

الف. عده زنان غیر باردار در نکاح موقت

در مورد عده زنان غیر باردار در نکاح موقت که به اقتضای سن، دارای عادت ماهانه باشند، نظریات مختلفی مطرح شده است، ولی قول مشهور این است که عده آنان دو حیض می‌باشد، (نجفی، ۱۹۸۱، م، ۱۹۶/۳۰؛ سیستانی، ۱۴۱۷، ۲۵۹/۲) ولی اگر در سن حیض‌اند، ولی حیض نمی‌شوند، باید ۴۵ روز عده نگه دارند (نجفی، ۱۹۸۱، ۱۶۵/۳).

ب. عده زنان باردار در نکاح موقت

هرگاه در ازدواج موقت، زن باردار باشد و مدت این ازدواج سپری یا بخشوده شود، عده زن تا وضع حمل است و از این جهت، فرقی میان نکاح دائم و موقت نیست. (موسوی خمینی، بی‌تا، ۳۳۷/۲)

۳. عده وفات

الف. عده وفات زنان برای غیر باردار

به استثنای زنان باردار که حکم آن متفاوت است، بر تمام زنانی که شوهرانشان فوت می‌کنند، واجب است چهار ماه و ده روز عده نگه‌دارند. در این حکم، تفاوتی میان عقد دائم یا موقت، زوجه صغیره یا کبیره، مدخوله یا غیر مدخوله و ذوات الأقرء یا ذوات الشهور نیست. در قرآن کریم آمده: «والذین یتوفون منکم و یذرون أزواجاً یتربصن بأنفسهن أربعة أشهر و عشراً؛ کسانی از شما که فوت می‌کنند و همسرانی از آنها باقی می‌مانند، باید چهار ماه و ده روز عده نگه‌دارند» (بقره: ۲۳۴). واژه «یتربصن» از «تربص» به معنای انتظار کشیدن، امری است که امید به زوال آن می‌رود. اطلاق این واژه شامل تمام زنان می‌شود. از این رو، تمام زنان باید چهار ماه و ده روز عده نگاه‌دارند.

قبل از اسلام، جوامع مختلف درباره زن شوهرمرده، عقاید گوناگونی داشتند؛ بعضی بر این باور بودند که او را باید با همسر مرده‌اش آتش زد، یا زنده در گور شوهرش به خاک سپرد. بعضی مانند نصارا معتقد بودند که تا آخر عمر نباید با هیچ مردی ازدواج کند و برخی نیز مانند اعراب جاهلی تا یک سال بعد از مرگ شوهر، زن را از هر مردی دور می‌کردند. ملل متمدن‌تر زمان‌های متفاوتی مانند یک سال و نه ماه را برای دوری زن شوهرمرده از مردان دیگر در نظر می‌گرفتند. گروهی دیگر معتقد بودند که شوهر متوفی حقی بر گردن همسرش دارد و آن، همین است که از ازدواج با دیگران تا مدتی خودداری کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۳۶۴/۲)

ب. عده وفات برای زن باردار

زن بارداری که شوهرش فوت کرده است (خواه در عقد دائم باشد یا متعه)، عده‌اش طولانی‌ترین زمان از دو زمان؛ وضع حمل یا چهار ماه و ده روز می‌باشد که در اصطلاح فقها به آن «أبعد الاجلین» گفته می‌شود؛ یعنی هرگاه وضع حمل قبل از چهار ماه و ده روز اتفاق افتد، عده تا پایان مدت مزبور ادامه خواهد داشت و چنانچه بعد از مدت مزبور (چهار ماه و ده

روز) وضع حمل تحقق یابد، با وضع حمل عده سپری می‌گردد. این حکم از دو آیه قرآن کریم استفاده می‌شود: «والذین یتوفون منکم و یذرون أزواجاً یتربصن بأنفسهنّ أربعة أشهر و عشراً...» و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی بر جای می‌گذارند، [همسران] چهار ماه و ده روز انتظار می‌برند...» (بقره: ۲۳۴) و «... و أولات الأحمال أجلهنّ أن یضعن حملهنّ...» و زنان آبستن مدتشان این است که وضع حمل کنند...» (طلاق: ۴).

افزون بر این آیات، روایاتی نیز بر این مطلب دلالت می‌کنند. در صحیح حلی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

الحامل فی المتوفی عنها زوجها تنقضي عدتها آخر الأجلین. (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۲۲/۲۴۰)

عده زن حامله‌ای که همسرش فوت کند، آن است که طولانی‌ترین مدت از وضع حمل یا چهار ماه و ده روز سپری شود.

تفاوت عده وفات با طلاق

ممکن است این پرسش به ذهن خطور بکند که چه چیز باعث تفاوت حکم عده طلاق و عده وفات شده است؟ در تفسیر عیاشی از محمد بن مسلم روایت شده که گفت:

به حضورش (امام محمد باقر علیه السلام) عرضه داشتم: فدایت شوم، چطور شد که عده زن مطلقه، سه حیض و یا سه ماه شد و عده زن شوهرمرده، چهار ماه و ده روز؟ فرمود: اما سه حیض مطلقه برای این بود که رحم وی از فرزند استبراء شود و معلوم گردد که از شوهرش حامله نیست؛ چون درست است که زن حامله هم ممکن است حیض ببیند، اما ممکن نیست سه ماه پشت سر هم حیض شود و اگر حیض شود، معلوم می‌گردد که حامله نیست.

و اما عده زن شوهرمرده، از این رو چهار ماه و ده روز شد که خدای تعالی یکجا به نفع زن حکم کرده و در جای دیگر به نفع مرد، به ضرر زن حکم نموده است تا در مسأله «ایلاء»، رعایت عدالت شده باشد که شوهر به منظور اذیت و ضرر رساندن به زن، سوگند می‌خورد که تا ابد با او نزدیکی نکند. خدای تعالی به نفع زن، ابد را محدود به چهار ماه کرده و فرموده: «لِلَّذِینَ یُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ». در نتیجه هرگز برای هیچ مردی جایز نیست که بیش از چهار ماه زن خود را معطل کند؛ چون خدای تعالی که خالق زنان است، می‌داند منتهای صبر زنان در دوری از مردان، چهار ماه است و جای دیگر به ضرر او حکم کرده؛ چون به او دستور داده که هرگاه شوهرش فوت کرد، چهار ماه و ده روز عده نگهدارد. پس در عده وفات، همان را از او گرفته که در مسأله ایلاء به او داده است و از شوهرش هم همان را در ایلاء گرفته که در هنگام مرگش به او داده است. (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱/۱۲۱)

عده همسر مرد غایب (مفقود الاثر)

با توجه به مضمون روایات، (کلینی، ۱۴۱۳، ۱۴۷/۶؛ صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۵۴۷/۳) زنی که همسر او مفقود شده و هیچ خبری از مرگ یا حیات زوج نباشد، اگر زوج دارایی و اموالی داشته باشد که زوجه بتواند از آن ارتزاق کند یا کسی از طرف زوج، مخارج زندگی زن را تأمین کند، زوجه باید صبر کند تا وضعیت زوج غایب معلوم گردد؛ زیرا حیات سابق وی استصحاب می‌گردد، مگر فوت وی مسلم شود، ولی اگر زوج دارایی نداشته باشد، زن می‌تواند امر خودش را به حاکم شرع ارجاع

دهد و حاکم شرع به زن، چهار سال مهلت می‌دهد تا تفحص و جستجوی لازم صورت گیرد. اگر وضعیت حیات یا مرگ زوج معلوم نشد، حاکم شرع حکم به طلاق زن داده و همسر مرد غایب پس از طلاق باید چهار ماه و ده روز عده وفات نگاه دارد.

عده وطی به شبهه (آمیزش جنسی اشتباهی)

عده زنی که وطی به شبهه شده، بر اساس قول فقها مثل عده طلاق می‌باشد؛ اگر باردار باشد، به وضع حمل و اگر از زنانی باشد که عده طلاق ندارند، عده بر او واجب نمی‌باشد. (موسوی خمینی، بی تا، ۳۴۴/۲)

زنان بدون عده

برای برخی از زنان با شرایطی که خواهد آمد، نگاهداشتن عده لازم نیست و بی‌درنگ پس از جدایی از شوهر، حق ازدواج با مردی دیگر دارند. در ادامه به حکم چنین زنانی می‌پردازیم.

۱. زنان غیر مدخوله

اگر بین زن و شوهر نزدیکی واقع نشده باشد و به دلیلی غیر از مرگ شوهر، ازدواج منحل گردد، عده بر زن واجب نیست، چنانکه آیه شریفه قرآن بر این مطلب دلالت دارد:

..ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا. (احزاب: ۴۹)

... اگر زنان مؤمنه را به نکاح خود درآوردید و پیش از آنکه با آنان آمیزش کنید، طلاقشان دادید، دیگر بر عده آنها عده‌ای که آن را بشمارید، نیست.

۲. زوجه صغیره

به اجماع فقهای امامیه، طلاق دختران نابالغ، طلاق بائن شمرده شده است؛ هرچند از روی عصیان، عمل آمیزش نیز انجام شده باشد؛ زیرا در این مورد نیز احتمال حمل و اختلاط انساب وجود ندارد. (نجفی، ۱۹۸۱م، ۱۲۰/۳۲) امام صادق (علیه السلام) فرمود:

ثلاث یتزوجن علی کل حال الّتی لم تحض مثلها لا حیض، قال قلت: وما حدّها؟ قال: اذا آتی لها اقل من تسع

سنین... (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷۹/۲۲)

سه گروه از زنان در هر حالی می‌توانند ازدواج کنند؛ اول کسی که عادت (حیض) نشده و مانند او نیز نمی‌شود. پرسیدم: «حد آن چیست؟» فرمود: «وقتی که کمتر از نه سال داشته باشد».

۳. زنان یائسه

در تعیین سن یائسگی میان فقهای امامیه اختلاف نظر است؛ برخی آن را شصت سالگی و گروهی نیز پنجاه سالگی دانسته‌اند، (نجفی، ۱۹۸۱، م، ۱۲۰/۳۲) ولی مشهور فقها با استناد به روایات معتبر، زنان قرشی را غیر آن جدا کرده‌اند و حدّ یأس را در زنان قرشی شصت سال و غیر آن پنجاه سال دانسته‌اند.

آنچه از سخنان فقها در مورد عده طلاق زنانی که عادت ماهانه ندارند، خواه به دلیل خردسالی و خواه بزرگسالی و یا عارضه رسیده، دو قول است:

الف. گروهی مانند سید مرتضی معتقدند که اگر همسران طلاقشان دهند، باید عده نگه‌دارند. وی زنان ناامید از قاعدگی و دیگران را یکسان شمرده و بر همه، سه ماه عده را واجب می‌داند و دلیل ادعایش این آیه قرآن است:

وَاللَّائِي يَئْسَنَ مِنَ الْمُحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنَّ ... (طلاق: ۴)

وی می‌گوید:

آیه با صراحت نص در این است که زنان ناامید از قاعدگی و کسانی که بالغ نشده‌اند، عده آنان در هر صورت همان سه ماه است؛ زیرا عبارت «آنان که عادت نشده‌اند» به این معنی است که حکم آنها نیز این چنین است. (سید مرتضی، ۱۴۰۴، ق، ۱۷۱)

طبق نظر او، هیچ‌کس بر کنار از حکم عده نیست و بر همه زنان، عده طلاق واجب است.

در مقابل، شیخ مفید در بخش عده زنان می‌نویسد:

...هرگاه زن از کسانی باشد که در پی عارضه‌ای عادت نمی‌شود، درحالی‌که هم‌سالان او عادت می‌شوند، سه

ماه عده نگه دارد و اگر پنجاه سالگی را پشت سر نهاده، چنین زنی عده طلاق ندارد. (مفید، بی‌تا، ۵۳۲)

این عبارت شیخ مفید، معیار را در سن قاعدگی بودن و بالاتر از پنجاه سالگی و رخت بستن عادت ماهانه می‌داند. این جمله که «حیض از او رخت بر بسته و از آن ناامید شده» رساننده رمز و راز واجب نبودن عده است.

نتیجه این می‌شود که زنان یائسه و زنی که از قاعدگی ناامید شده و هم‌سالان‌های آنها نیز عادت نمی‌بینند، پیامد چنین چیزی گستردگی حکم ایشان به نداشتن عده می‌باشد.

بررسی دلیل آنان که می‌گویند بر هر زن طلاق گرفته‌ای عده لازم است:

۱. آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ». (طلاق: ۱)

ظاهر آیه این است که طلاق با رسیدن عده تحقق می‌یابد و گستره «نساء»، همه گونه‌های ایشان را در بر می‌گیرد، ولی فراگیری و عموم گفته‌شده، فقط در صورتی استفاده می‌شود که آیه هیچ قیدی نخورده باشد؛ در حالی‌که خداوند در

آیه چهارم همین سوره، عده‌نشینی سه‌ماهه را در گرو شک می‌داند و می‌فرماید:

وَاللَّائِي يَئْسَنَ مِنَ الْمُحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنَّ. (طلاق: ۴)

و آن زنان شما که از خودن دیدن [ماهانه] نومیدند، اگر شک دارید [که خون می‌بینند یا نه؟] عده آنان سه ماه

است، و [دخترانی] که هنوز خون ندیده‌اند [نیز عده‌شان سه ماه است].

در اینکه مراد از شک در آیه شریفه چیست، دو نظر مشهور وجود دارد:

- شک در وجود حمل که این معنی در روایات (حر عاملی، ۱۴۰۹، ق. ۱۵/ح ۲) و کلمات فقها (نجفی، ۱۹۸۱، م. ۲۴۹/۲۳) بیان شده است؛

- شک در یائسه شدن که آیا به دلیل پیری است یا مرض. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۱۶/۱۹)
با برطرف شدن این شک، عده‌ای بر این زنان نیست و این آیه، گستردگی ابتدای آیه را محدود می‌سازد.

۲. آیه «و الْمُطَّلَقَاتُ يَرْبِضْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ». (بقره: ۲۲۸)

این آیه با توجه به فراگیر بودن واژه «المطلقات» دربرگیرنده همه زنان است. در مورد این آیه نیز باید گفت دلالت این آیه، تام نیست؛ زیرا حکم درنگ سه قرء، به زنانی اختصاص دارد که عادت ماهانه دارند، ولی کسانی که پس از گرفتن طلاق، هرگز عادت نشوند، نمی‌توانند در گستره عمومیت این آیه باشند و این حکم بر آنها جاری شود؛ با توجه به اینکه مشهور بین فقها هم چنین است که عده‌ای بر این زنان نیست.

فلسفه تشریع عده

با توجه به اینکه اصل وجوب عده دارای ادله محکمی از قبیل قرآن، سنت و اجماع علما است، برخی از حکمت‌های تشریع عده در اسلام را می‌توان در امور ذیل خلاصه کرد:

۱. وسیله صلح و بازگشت

گاهی در اثر عوامل مختلف، وضعیت روحی زن و مرد به شکلی درمی‌آید که اختلافی کوچک باعث تفرقه و جدایی می‌شود، ولی بسیار اتفاق می‌افتد که مدتی پس از این کشمکش، زن و مرد پشیمان می‌شوند. به ویژه که می‌بینند با طلاق، در مسیر ناهنجاری‌ها و رفتاری‌های گوناگون قرار خواهند گرفت. از این رو، خداوند به زنان دستور داده عده نگهدارند تا این حالت از بین برود. خداوند می‌فرماید:

و الْمُطَّلَقَاتُ يَرْبِضْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَ لَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ
الْآخِرِ وَ يُعُولَتْهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا. (بقره: ۲۲۸)

زنان طلاق داده شده، باید مدت سه پاکی انتظار کشند و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، برای آنان روا نیست که آنچه را خداوند در رحم آنان آفریده، پوشیده دارند و شوهرانشان اگر سر آشتی دارند، به بازآوردن آنان در این [مدت] سزاوارترند.

با توجه به آیه شریفه، زمانی که زن در عده طلاق رجعی است، شوهر می‌تواند بدون هیچ تشریفاتی، زندگی زناشویی را از سر بگیرد و با هر سخن و یا رفتاری که به قصد بازگشت باشد، این معنی حاصل می‌شود، ولی با جمله «إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا» این حقیقت را بیان کرده که باید هدف از رجوع و بازگشت، اصلاح باشد، نه همچون دوران جاهلیت که مردان با سوء استفاده از این حق، بر زنان فشار می‌آوردند و آنان را در حالتی میان مطلقه نبودن و بودن، نگه می‌داشتند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵۷۵/۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ق. ۲/۲۳۱)

این حق در صورتی برای آنان محفوظ است که از کار خود پشیمان شده، بخواهند باز زندگی خانوادگی را از نو آغاز کنند و هدفشان ایجاد ضرر و بلا تکلیف ساختن زن نباشد. همچنین در آیه شریفه:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ... لَا تَذَرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا. (طلاق: ۱)

ای پیامبر، چون زنان را طلاق گویند، در [زمان بندی] عده آنان طلاقشان گویند و حساب آن عده را نگه دارید و از خدا، پروردگارتان بترسید. آنان را از خانه هایشان بیرون نکنید... تو چه دانی! شاید خدا از این پس امری تازه پدید آورد.

با دستوری که اسلام در مورد خارج نشدن زن از خانه در طول مدت عده داده است، همچنین با توجه به قسمت پایانی آیه که می فرماید: «لَا تَذَرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا»، می توان به این نتیجه رسید که هدف از تشریع عده، بهبود روابط زن و شوهر است. در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این قسمت از آیه شریفه می خوانیم:

المطلقة تكحل و تختضب و تطيب و تلبس ما شاءت من الثياب، لان الله عز و جل يقول لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا لعلها ان تقع في نفسه فراجعها.

زن مطلقه در دوران عده اش می تواند آرایش کند، سرمه در چشم نماید و موهای خود را رنگین و خود را معطر [کند] و هر لباسی که مورد علاقه او است، بپوشد؛ زیرا خداوند می فرماید: «شاید خدا بعد از این ماجرا، وضع تازه ای فراهم سازد» و ممکن است از همین راه، زن بار دیگر قلب مرد را تسخیر و مرد رجوع کند. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ه. ق، ۳۵۲/۵)

در بسیاری از موارد، تصمیم بر جدایی و طلاق، تحت تأثیر هیجان های زودگذر است که با گذشت زمان و معاشرت مستمر مرد و زن در مدتی به نسبت، طولانی (مدت عده) و اندیشه در پایان کار، بسیاری از جدایی ها به آشتی می انجامد، ولی به شرط اینکه دستورهای اسلامی؛ یعنی ماندن زن در مدت عده در خانه همسر سابق به صورت دقیق اجرا شود. گرچه افرادی، این حکم اسلامی را هنگام طلاق اجرا نمی کنند و به محض جاری شدن صیغه طلاق، هم مرد به خود اجازه می دهد که زن را بیرون کند و هم زن، خود را آزاد می پندارد که از خانه شوهر خارج شود و به خانه بستگان بازگردد، ولی این حکم فلسفه بسیار مهمی دارد؛ زیرا افزون بر حفظ احترام زن، زمینه را برای بازگشت شوهر از طلاق و تحکیم پیوند زناشویی فراهم می سازد.

با گذشت زمان، عواملی مانند خشم و غضب که موجب تصمیم های ناگهانی در طلاق و جدایی می شود، فرومی نشیند و حضور پیوسته زن در خانه در مدت عده و یادآوری عواقب شوم طلاق، به ویژه زمانی که زیان آن به فرزندان نیز می رسد و نیز اظهار محبت هر یک نسبت به دیگری، زمینه ساز رجوع می گردد.

بدون شک، قرارداد زوجیت از قراردادهایی است که باید قابل جدایی باشد؛ چرا که گاه زندگی مشترک زن و مرد با هم، غیر ممکن و یا طاقت فرسا و مملو از فساد می شود. از این رو، اسلام با اصل طلاق موافقت کرده است. بنابراین اصل طلاق، ضرورت است، ولی ضرورتی که باید به کمترین اندازه ممکن برسد و تا راهی برای ادامه زوجیت هست، به آن دست نیازند.

طلاق در روایات اسلامی، بسیار مذمت گردیده و «مبغوض‌ترین حلال‌ها» نام گرفته است، چنانکه در روایتی از پیامبر اکرم، حضرت محمد ﷺ می‌خوانیم: «ما من شیء ابغض الی الله عز و جل من بیت یخرب فی الاسلام بالفرقة یعنی الطلاق؛ هیچ عملی نزد خدا منفورتر از این نیست که اساس خانه‌ای در اسلام با جدایی (یعنی طلاق) ویران گردد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۲۶۶/۱۵).

۲. حفظ نسل و جلوگیری از اختلاط نسب

یکی دیگر از حکمت‌های عده، روشن شدن وضعیت بارداری زنان است. خداوند می‌فرماید:

و المطلقات یتربصن بانفسهن ثلاثه قروء ولا یحل لهن ان یتکتمن ما خلق الله فی ارحامهن. (بقره: ۲۲۸)

علامه می‌فرماید:

اینکه خداوند فرمود: «یَتَرَبَّصْنَ بَأَنْفُسِهِنَّ» به منزله این است که فرموده باشد زنان مطلقه به خاطر احتراز از اختلاط نطفه‌ها و فساد نسل، عده نگه می‌دارند و با هیچ مردی تمکین نمی‌کنند و این جمله، هرچند جمله‌ای خبری است، لیکن منظور از آن انشاء است و خلاصه، به جای اینکه بفرماید: «باید عده نگه دارند»، به منظور تأکید فرموده: «عده نگه می‌دارند». (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۲/۲۳۰)

همچنین امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «اما عدة المطلقة، ثلاث حیض او ثلاثة اشهر فلاستبراء الرحم من الولد...؛ علت تعیین زمان عده در زنان مطلقه به سه حیض یا سه ماه، به جهت اطمینان از پاک بودن رحم از طفل می‌باشد». (صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۵۰۷/۲)

اگرچه به طور معمول یک بار دیدن عادت ماهیانه دلیل بر باردار نبودن است، گاهی دیده شده که زن باردار، در آغاز دوره بارداری عادت ماهانه می‌شود. از این رو، برای رعایت کامل این موضوع، دستور به چنین کاری داده شده است.

همچنین در پاسخ به کسانی که پیشرفت دانش را مطرح می‌کنند و لزومی برای عده نمی‌بینند، باید گفت جلوگیری از اختلاط انساب، فقط یکی از علل عده می‌باشد و نه علت تامه آن. دیگر اینکه با بررسی روش‌های پیشگیری از بارداری و اندازه‌گیری میزان اثربخشی آنها، معلوم شده که اثربخشی هیچ کدام از این روش‌ها ۱۰۰٪ نیست. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۳، ۱۶۹-۱۹۳) پس جایی برای این شبهات باقی نمی‌ماند و طبق نظر همه مراجع، چنین زنانی نیز باید عده نگه‌دارند. (گروه محققان، ۱۳۸۲، ۳۱۹/۷)

۳. احترام به ازدواج نخست و حفظ حرمت خانواده

سومین فلسفه عده، احترام به نکاح سابق می‌باشد. این دلیل به ویژه در مورد عده وفات، بیشتر احساس می‌شود؛ زیرا اگر احتمال بارداری نیز نباشد، زنی که همسرش فوت کرده، باید عده نگه دارد. این نکته بیان می‌کند که تشریع این حکم پیش از هر چیز به دلیل حفظ حریم خانواده و حریم زوجیت است؛ اگرچه مسأله بارداری احتمالی در این قانون، مورد توجه بوده است.

یکی از مسایل و مشکلات اساسی زنان، ازدواج بعد از مرگ شوهر است. از آنجا که ازدواج فوری زن پس از مرگ شوهر، با محبت و دوستی و حفظ احترام شوهر سابق و یقین به خالی بودن رحم از نطفه همسر پیشین سازگار نیست و به علاوه، موجب جریحه‌دار شدن عواطف بستگان متوفی است، طبق آیه ۲۳۴ بقره، ازدواج مجدد زنان، مشروط به گذشت مدت چهار ماه و ده روز عده ذکر شده است.

رعایت حریم زندگی زناشویی، بعد از مرگ نیز فطری است. از این رو، همیشه در قبایل مختلف، آداب و رسوم گوناگونی برای این کار وجود داشته است؛ گرچه گاهی در این رسوم، چنان افراط می‌کردند که در عمل، زنان را در بن‌بست اسارت قرار می‌دادند و گاهی، جنایت‌آمیزترین کارها را در مورد او مرتکب می‌شدند. برای نمونه در بعضی از قبایل پس از مرگ شوهر، زن او را آتش می‌زدند و یا او را با مرد دفن می‌کردند. برخی نیز زن را برای همیشه از ازدواج مجدد محروم ساخته، او را گوشه‌نشین می‌کردند. در میان گروهی دیگر، رسم چنین بود که زن‌ها مدتی کنار قبر شوهر، زیر خیمه سیاه و چرکین با لباس‌های مندرس و کثیف و به دور از هر آرایش و زیوری و بدون شستشو به سر بردند و بدین وضع، شب و روز خود را بگذرانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۹۴/۲)

آیه شریفه:

وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ مَنكُم وَايَا أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيهَا فَعَلْنَ فِي أَنفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ.

کسانی که از شما می‌میرند و همسرانی از خود باقی می‌گذارند، آنها باید چهار ماه و ده روز انتظار بکشند و هنگامی که مدتشان سر آمد، گناهی بر شما نیست که هرچه می‌خواهند درباره خودشان به طور شایسته انجام دهند و با مرد دلخواه خود ازدواج کنند.

بر تمام این خرافات و جنایات خط بطلان کشید و به زنان بیوه اجازه داد پس از تمام شدن عده و حفظ حریم زوجیت گذشته، اقدام به ازدواج کنند.

نتیجه‌گیری

عده، یکی از احکام الهی است که لزوم رعایت آن با توجه به قرآن و سنت و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) ثابت می‌شود. با توجه به شکل پیوند و جدایی در ازدواج، عده نیز اقسام مختلفی دارد؛ عده طلاق، عده وفات، عده متعه، عده وطی به شبهه و عده همسر مرد مفقود. در هریک از این موارد نیز در مورد زن باردار و غیر باردار احکام ویژه‌ای وجود دارد. با توجه به آیات و روایات، عده زنان باردار در طلاق تا زمان وضع حمل و در زنان غیر باردار به اندازه سه طهر است. در وفات، عده زنان باردار «بعد الاجلین» و عده زنان غیر باردار به مدت چهار ماه و ده روز و در متعه، برای زنان باردار تا وضع حمل و در غیر باردار در صورتی که خون حیض ببینند به مدت دو حیض و در زنانی که بنا به عللی خون نمی‌بینند، چهل و پنج روز است.

حکم عده زن در وطی به شبهه، مانند عده طلاق است و زنی که همسرش مفقود شده، چهار ماه و ده روز پس از اینکه حاکم شرعی حکم به طلاق زن داد، می‌تواند ازدواج کند.

برخی زنان نیز فاقد عده طلاق می‌باشند که عبارت‌اند از زنان یائسه، زنان غیر مدخوله و زنان صغیره. بر اساس آیات و روایات، عده طلاق بر این گونه زنان لازم نیست، ولی عده وفات شامل تمامی زنان می‌شود.

در مورد فلسفه تشریع عده، علت‌های مختلفی گفته شده، ولی آنچه از آیات و روایات به دست می‌آید، عبارت‌اند از: استبرا و پاک بودن رحم، جلوگیری از جدایی کامل بین زن و شوهر، احترام به ازدواج سابق.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

- امامی، حسن. (۱۳۶۸). قانونی مدنی، تهران: انتشارات اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ه.ق). وسائل الشیعه. بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ه.ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم.
- سید مرتضی، (۱۴۰۴ ه.ق). انتصار، قم: الجوامع الفقهیه.
- سیستانی، سید علی. (۱۴۱۷ ه.ق). منهاج الصالحین. قم: بی.نا.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ ه.ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- صدوق، (بی.تا). علل الشرایع. قم: انتشارات مکتبه الداوری.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳ ه.ق). من لا یحضره الفقیه. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ ه.ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ه.ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفه.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: بی.نا.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی.تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ ه.ق). نور الثقلین. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). کتاب التفسیر. تهران: چاپخانه علمیه.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۳ ه.ق). فروع الکافی. بیروت: انتشارات دارالاضواء.
- گروه محققان. (۱۳۸۲). پرسشها و پاسخها. بی.جا: انتشارات پارسایان.
- گروهی از نویسندگان. (۱۳۸۳). دانش خانواده. تهران: انتشارات سمت.
- مفید، محمد بن محمد. (بی.تا). المقنعه. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مکی العاملی، محمد بن جمال الدین. (۱۴۱۰ ه.ق). اللمعه دمشقیه. قم: منشورات دارالفکر.
- موسوی خمینی، روح الله. (بی.تا). تحریر الوسیله. تهران: مکتبه علمیه الاسلامیه.
- نجفی، محمد حسن. (۱۹۸۱ م). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

لینک های مفید



عضویت
در خبرنامه



کارگاه های
آموزشی



سرویس
ترجمه تخصصی
STRS



فیلم های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سرویس های
ویژه